

مسئله هویت طلبی کردها در ترکیه و چالش‌های کردی برای حزب عدالت و توسعه

احمد جانسیز^۱، *دانیال رضاپور^۲، رضا ریحانی کلاچاهی^۳

۱. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
۲. استادیار روابط بین الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
۳. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۶ خرداد ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۸ دی ۱۴۰۲
تاریخ انتشار: ۲۰ اسفند ۱۴۰۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین معضلات امنیتی دولت ترکیه از زمان پیدایش این کشور، منازعه ترکیه و کردها بوده است. هویت‌طلبی کردی در داخل و خارج از مرزهای ترکیه، در مقابله با ایدئولوژی کمالیسم با تأکید بر ملی‌گرایی و جذب دیگر هویت‌ها در هویت مورد تأیید، به حاشیه‌ای شدن کردها در ترکیه دامن زد. روند فوق با اقدامات حزب عدالت و توسعه، که البته خواهان تغییر در رویکرد کمالیسم پیرامون اقلیت‌های قومی بود، تشدید شد. هدف پژوهش، بررسی ناموفق بودن مسئله فوق بر مبنای نظریه سازه‌نگاری است و باتوجه به رویه و مواضع نسبتاً اصلاح‌گرایانه اردوغان، این پرسش پیش می‌آید که چرا این مناسبات پس از یک دهه آرامش نسبی به تیرگی و کشمکش بدل شد؟ و به عبارت دقیق‌تر، علت فعال شدن مجدد شکاف قومی ترک-کرد پس از یک دهه سیاست آشتی ملی و کاهش حمایت کردها از حزب عدالت و توسعه چه بوده است؟ فرضیه مورد آزمون پژوهش این است که به نظر می‌رسد ناتوانی دولت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه در امر بازنگری هویت در مواجهه با هویت کردی در پیگیری و تأمین کامل مطالبات اقلیت کرد پس از مذاکرات آشتی ملی و دست نیافتن کردها به مطالبات اصلی‌شان و همچنین گرایش کردها به همبستگی فرامرزی با کردهای سوریه، باعث خصمانه شدن مواضع طرفین و فعال شدن شکاف ترک-کرد در سال‌های اخیر شده است که این ناکامی‌ها و مواضع خصمانه برای حزب حاکم نتیجه‌ای جز مواجهه قهرآمیز و نظامی با کردهای ترکیه نداشته است.

کلیدواژه‌ها:

ترکیه، حزب عدالت و توسعه، کرد، کمالیسم، هویت‌طلبی.

* نویسنده مسئول:

دکتر دانیال رضاپور

نشانی: استادیار روابط بین الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

پست الکترونیک:

danyalrezapoor@guilan.ac.ir

استناد به این مقاله:

جانسیز، احمد و رضاپور، دانیال و ریحانی کلاچاهی. (۱۴۰۳). مسئله هویت‌طلبی کردها در ترکیه و چالش‌های کردی برای حزب عدالت و توسعه. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۶(۴)، ۱۱۱-۸۷.

۱. مقدمه

روند توسعه و مدرن‌سازی دولت‌های در حال توسعه غرب آسیا و حرکت برخی از آنان به سمت توسعه سیاسی، با دوگانه استفاده از آثار جهان جدید و نپذیرفتن آثار ثانویه مترتب با آن روبه‌روست؛ به گونه‌ای که با وجود ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی گسترده عمدتاً دستیابی به پرستیژ و تسهیل نیل به پیشرفت در حوزه ارتباطات، نظامی‌گری و غربی‌سازی، خوشایند دولت‌های غیردموکراتیک و نیمه‌دموکرات این منطقه در حوزه حاکمیت سیاسی است. وجود شکاف‌های چالش‌زای قومی در غرب آسیا در قالب‌هایی متفاوت، ولی یکسان همانند مسئله کردها و دولت ترکیه و سوریه، فلسطین و رژیم اسرائیل و شکاف شیعه و سنی در لبنان، که نمونه‌هایی دامنه‌دار و منحصر به فرد در نوع خود در جهان هستند، بیانگر این واقعیت‌اند که بی‌ثباتی اقتصادی، در کنار عامل مهم‌تر عدم اشتغال و فراگیری ملی در حوزه حاکمیت سیاسی و فرهنگی، یکی از موانع قوام مفهوم دولت-ملت در غرب آسیاست. یکی از چالش‌های امنیتی مهم یک قرن گذشته در غرب آسیا، مسئله کردی یا منازعه ترکیه و کردها بوده است. جمعیت کردها در جهان حدود ۳۰ تا ۴۵ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. نیمی از این جمعیت در جنوب شرقی ترکیه، شمال عراق، شمال سوریه و شمال غرب ایران زندگی می‌کنند. (Harvard Divin, 2023) کردها مسلمان سنی هستند، اما جوامع آن‌ها شامل مسلمانان شیعه علوی، مسیحی، یهودی و ایزدی نیز هستند. (Cowen, 2023: 15) پیامدهای بالقوه استقلال کردستان پیچیده و متنوع است و پژوهشگران منافع سه کشور عراق، ترکیه و ایران و سیاست‌هایی را که هر کشور ممکن است در واکنش به استقلال کردستان دنبال کنند، پیرامون این موضوع مؤثر می‌دانند. (Ariav, 2019)

بعد از استقرار جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ میلادی، کردها به علت اجرا نشدن توافق‌نامه سایکس-پیکو ۱۹۱۹ م. همواره مشکلات امنیتی متعددی را برای دولت‌های ترکی به وجود آورده‌اند. درحقیقت سیاست اولیه ترکی‌سازی نخبه‌های کمالیست با مقاومت جدی اقلیت کرد مواجه شد و ناآرامی‌هایی را در این کشور به وجود آورد که کمالیست‌ها آن‌ها را سرکوب کردند. در سال ۱۹۸۴، عبدالله اوچالان حزب تازه تأسیس کارگران کردستان را تأسیس کرد و عملیات‌های نظامی متعددی در خاک ترکیه از ناحیه بهشت امن در کوه‌های قندیل واقع شمال عراق را علیه

نیروهای دولت ترکیه انجام داد. درگیری‌های ترکیه با پ.ک.ک. ۳۰ هزار نفر را گرفت و توسعه داخلی ترکیه را نیز تحت تأثیر قرار داد. (Cfr.org, 2023).



پراکندگی کردها در ترکیه (Map data, 2022).

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۳، نگاه تازه‌ای برای حل دوگانگی ترکی- کردی در ترکیه شکل گرفت، به طوری که تا قبل روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، در راستای اعطای حقوق سیاسی به کردها اقدامات خاصی صورت نگرفت. برای مثال دولت به عنوان مالک رادیو و تلویزیون در ترکیه اجازه ایجاد یک شبکه تلویزیونی به زبان کردی و دوره‌های تدریس زبان‌های غیرترکی به ویژه کردی را در سال ۲۰۰۳ صادر کرد. حق نوشتن کتاب به زبان کردی تصویب شد و ادبیات کردی به عنوان یک درس اختیاری در مدارس از سال ۲۰۱۲ تدریس شد. در ادامه روند فوق، متهمان کُرد در دادگاه‌ها از حق استفاده از زبان مادری خود در جریان محاکمات قضایی از سال ۲۰۱۳ میلادی برخوردار شدند. اردوغان نیز یک بسته اصلاحات مفاد قانونی نیز در حمایت از حقوق کردها در سپتامبر ۲۰۱۳ را اعمال کرد. (Atmaca,

1. Partîya Karkerên Kurdiştanê (PKK)

4: 2022) هنگامی که روند صلح ترکیه و کردها در ژانویه ۲۰۱۳ آغاز شد، بسیاری از کردها بر این باور بودند که نخست وزیر اردوغان و رهبر حزب کارگران کردستان عبدالله اوجالان، برای پایان دادن به خشونت به توافق خواهند رسید. با وجود این، مذاکرات در نهایت نتوانست صلحی پایدار بین طرفین ایجاد کند و چند عامل باعث شکست رویکرد تعامل و مذاکره دولت ترکیه و پ.ک.ک شد: ۱- موجز بودن اصلاحات قانونی در عرصه عملی به سود کردها ۲- فشارهای سیاسی داخلی احزاب سیاسی در مخالفت با کردها ۳- اختلاف میان خواسته‌های اصلی کردها و آنچه رهبری حزب عدالت و توسعه مایل بود؛ این عوامل باعث شکست طرح صلح اردوغان شد. (Sevran, 2020)

در انتخابات مجلس سال ۲۰۱۵، حزب عدالت و توسعه انتظار داشت به کمک فرایند انتخاباتی در صورت معرفی افراد مستقل، کرسی‌های بیشتری را در مناطق کردنشین به دست آورد. این موضوع به معنای کاهش تعداد نمایندگان حزب دموکراتیک مردم در پارلمان و تداوم روند تک‌حزبی بودن دولت حزب عدالت و توسعه بود. در پایان روز انتخابات حزب دموکراتیک مردم^۲ موفق شد از آستانه ۱۰ درصد برای نمایندگی انتخاباتی در پارلمان عبور کند و ۷۸ کرسی در انتخابات ژوئن ۲۰۱۵ را به دست آورد. پیروزی این حزب در انتخابات، ترکیب نمایندگان پارلمان را تغییر داد و حزب عدالت و توسعه برای اولین بار از زمان به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۲ میلادی، اکثریت خود را از دست داد. پس از شکست انتخاباتی حزب عدالت و توسعه، درگیری‌ها بین نیروهای امنیتی ترکیه و پ.ک.ک دوباره در تابستان ۲۰۱۵ آغاز شد. (Matin, 2020: 2) بولنت علیرضا کارشناس ترکیه‌ای در مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی واشنگتن در مورد انتخابات ۲۰۱۵ گفته بود: «این یک انفجار هسته‌ای در سیاست ترکیه بود.» اردوغان به دنبال کسب اکثریت کرسی در پارلمان بود تا بتواند تغییراتی را در قانون اساسی ترکیه ایجاد کند، اما طبق گزارش خبرگزاری آناتولی ترکیه حزب راست میانه اردوغان فقط توانست ۴۱ درصد از آرای انتخابات پارلمانی را به دست آورد. همچنین طبق گزارش واشنگتن‌پست، عامل تعیین‌کننده در این انتخابات پیدایش حزب دموکراتیک مردم بود که با کسب ۱۲ درصد آرا، توانست جایگاه چهارم در انتخابات را کسب کند. طبق این گزارش، کسب ۷۸ کرسی یک دستاورد چشمگیر برای حزب دموکراتیک مردم ترکیه بود، زیرا این حزب کمتر از سه سال قبل تشکیل شده است. (Fars news agency, 2014)

2. HDP

دلیل معکوس شدن نتایج انتخابات ژوئن ۲۰۱۵ و شکست سیاست‌های بلندپروازانه اردوغان چیزی جز کردها و حزب دموکراتیک مردم نبود. از این رو، جنبش سیاسی کردی در ترکیه با فشارهای زیادی مواجه شد و در حقیقت، مرز موجود بین پ.ک.ک و دیگر بازیگران سیاسی غیرخسونت‌آمیز در دیدگاه نخبگان سیاسی دولت محو شد. رؤسای مشترک حزب، صلاح‌الدین دمیرتاش^۳، فیگن یوکس‌کداغ^۴ و هفت نماینده دیگر در نوامبر ۲۰۱۶ دستگیر و زندانی شدند. دولت ۴۸ شهردار نزدیک به احزاب کُرد را برکنار و به جای آن‌ها افراد معتمد را منصوب کرد. علاوه بر این، حزب دموکراتیک مردم، که قبلاً در رسانه‌ها دولت آن را تأمین مالی و کنترل می‌کرد و از سایر احزاب مخالف جدا شده بود، شیطانی و شرور جلوه داده شد. (Bezwan, 2022: 11)

شباهت‌های بین نگرش اردوغان نسبت به مسئله کردها، که به مشکلات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کردهای ترکیه پس از انتخابات ژوئن ۲۰۱۵ بر می‌گردد و الگوی امنیتی ارتش ترکیه قبل از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، برخی از محققان را بر آن داشته است تا استدلال کنند که اردوغان در این موضوع تسلیم گرایش سیاسی کاملاً ملی‌گرایانه در ترکیه شده است. از نظر آن‌ها، توسل به سلاح برای مقابله با مسئله کُرد نشان می‌دهد که چگونه اردوغان انرژی اصلاح‌طلبانه خود را از دست داده و برای باقی ماندن در قدرت با تشکیلات سکولار همکاری کرده است. با این حال، برخی دیگر از محققان استدلال می‌کنند که آغاز روند صلح کردها و تصمیم اردوغان برای کنار گذاشتن آن بخشی از یک استراتژی بوده و هر دو حرکت با هدف تحکیم قدرت او انجام شده است. (Yegen, 2022: 9)

سیاست‌های پرفرازونشیب حزب حاکم ترکیه در قبال کردها علی‌رغم مواجهه با مخالفت‌های احزاب رقیب مثل سکولارها و ملی‌گرایان توانست گامی بلند در سیاست‌های آشتی ملی بردارد؛ به گونه‌ای که نمی‌توان پیشرفت‌های نسبی موجود در حل مسئله کردها را انکار کرد بنابراین با توجه به رویه و مواضع نسبتاً اصلاح‌گرایانه اردوغان، این پرسش مطرح می‌شود که چرا این مناسبات پس از یک دهه آرامش نسبی به تیرگی و کشمکش بدل شد؟ به عبارت دقیق‌تر، علت فعال شدن مجدد شکاف قومی ترک-کُرد پس از یک دهه سیاست آشتی ملی و کاهش حمایت کردها از حزب عدالت و توسعه چه بوده است؟ فرضیه مورد آزمون پژوهش این است که به نظر می‌رسد ناتوانی دولت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه در امر بازنگری هویت در

3. Selahattin Demirtaş

4. Figen Yüksekdağ

مواجهه با هویت کردی در پیگیری و تامین کامل مطالبات اقلیت کرد پس از مذاکرات آشتی ملی و دست نیافتن کردها به مطالبات اصلی شان و همچنین گرایش کردها به همبستگی فرامرزی با کردهای سوریه و عراق در گذار از تحولات سیاسی منطقه غرب آسیا، باعث خصمانه شدن مواضع طرفین و فعال شدن شکاف ترک-کرد در سال‌های اخیر شده است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و با استفاده از رویکرد تحلیلی-تاریخی همراه با اتکا بر گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است.

۲. ادبیات پژوهش

کونن در گزارشی راهبردی با عنوان «معمای کردی برای ترکیه» به چالش‌های کردها در سوریه، عراق و ترکیه پرداخته است. تاکید اصلی این گزارش راهبردی به تلاش‌های اردوغان در منطقه غرب آسیا مخصوصاً اتحاد راهبردی با مسعود بارزانی برای خنثی‌سازی تهدیدات ناشی از قدرت‌یابی احزاب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه است که حزبی وابسته به پ.ک.ک است. (Cowen, 2023). یگن در مقاله‌ای با عنوان «قومیت سیاسی تا ژئوپلیتیک: دولت ترکیه و مسئله کردها از سال ۲۰۱۵» که سیاست دولت ترکیه در قبال مسئله کردستان بعد سال ۲۰۱۵ را بررسی کرده، مدعی است که دولت ترکیه با مسئله کردها عمدتاً از طریق قومیت سیاسی مقابله می‌کرد، اما اکنون ژئوپلیتیکی درصدد مقابله با این گروه است. (Yegen, 2022) کوپلی نیز در مقاله «مسئله کردها در ترکیه: در مورد اعمال خشونت‌آمیز دولت-ملت» مسئله کردی را به‌عنوان مشکلی برای سیاست داخلی ترکیه مطرح کرده و این پژوهش به ابعاد داخلی و منطقه‌ای مسئله کردی ترکیه پرداخته است. به همین دلیل، ترکیه برای حل مسئله کردها در داخل کشور، فرایند سرکوب و مصالحه را در پیش گرفت و در ادامه رویکرد سیاست خارجی این کشور در قبال کردهای سوریه و ظهور کردستان شمال سوریه مطالعه شده است. (Kü peli, 2022) گزارش تول و اسیناست در مطالعات غرب آسیا با عنوان «دیدگاه‌های ترکیه: بحران و فرصت‌ها برای ترکیه در سال ۲۰۲۳» نیز، که در هشت بخش تنظیم شده است، کنش‌های اردوغان به‌عنوان رهبر حزب عدالت و توسعه و معکوس کردن نتایج انتخابات به ضرر کردها را از عوامل تشدید مسئله کردی می‌شناسد. (Tol and Eissenstat, 2022) پژوهش‌های مذکور هر چند حاوی مطالب ارزشمندی در این خصوص هستند، ولی در هیچ‌کدام از آثار مذکور به استراتژی ترکیه در قبال مسئله کردی در یک قالب کلی توجه نشده است. همچنین در آثار

5. The Kurdish Issue

تولید شده رویکرد تعامل - تعارض حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۱۵ به بعد مورد غفلت واقع شده است.

۳. مبانی نظری پژوهش: سازه‌نگاری

از مباحث مهم مورد بررسی در سطح هستی‌شناسی برای سازه‌نگاران، مسئله هویت کنش‌گران است. هویت عبارت است از فهم‌ها و انتظارات در مورد خود که خاص نقش است. هویت‌ها به‌طور هم‌زمان به‌گزینه‌های عقلانی قوام می‌دهند و این الگوهای هنجاری سیاست بین‌الملل هستند که به آن‌ها شکل می‌دهند. هویت‌ها را نمی‌توان به‌شکل ماهوی یعنی جدا از بستر اجتماعی آن‌ها تعریف کرد. آن‌ها ذاتاً آموری رابطه‌ای هستند و باید به‌عنوان مجموعه‌ای از معانی تلقی شوند که یک کنشگر با در نظر گرفتن چشم‌انداز دیگران یعنی به‌عنوان یک ایزه اجتماعی به خود نسبت می‌دهد. اینکه خود را دوست، رقیب یا دشمن «دیگری» بداند، تفاوت زیادی در تعامل میان آن‌ها ایجاد خواهد کرد. در این تعریف، «خود» براساس برداشتی که از وضعیت دارد، نشانه‌ای برای دیگری می‌فرستد و «دیگری» این نشانه را بر مبنای برداشت خودش از وضعیت تفسیر می‌کند و براساس این تفسیر، علامتی به «خود» می‌دهد و خود پاسخ می‌دهد و در این تعامل است که هویت خود و دیگری به‌عنوان دوست یا دشمن یا رقیب شکل می‌گیرد. (Theys, 2018: 4) ونت بیان می‌کند که اگر قرار است فرایند و نهادها تابع ساختار نباشند، قدرت علی‌آن باید به‌چالش کشیده شود. او استدلال می‌کند که سیاست‌های خودیاری و قدرت نه به‌طور منطقی و نه علی‌از هرج‌ومرج تبعیت نمی‌کنند و اگر امروز خود را در دنیای خودیاری می‌یابیم، این به‌دلیل فعالیت نوعی از فرایند است و نه ساختار. کنشگران با مشارکت در معانی جمعی هویت کسب می‌کنند و این هویت به‌عنوان خصوصیت کنشگران بین‌الملل، گرایش‌های انگیزشی و رفتاری آن‌ها را به وجود می‌آورد. (Wendt, 1992: 394-395)

مسئله هویت با تلاقی «خود و دیگری» شکل می‌گیرد که در کانون نظریه روابط بین‌الملل بوده است و نظریه‌پردازان به‌تکوین هویتی مبتنی بر خود توجه زیادی کرده‌اند. گروه مشخصی از اندیشمندان روابط بین‌الملل از مرجع تحلیل مزبور برای تعیین این امر استفاده کرده‌اند که چگونه «احساس وجود خود» یک دولت گاهی به‌صورت مبهم به پروژه‌ای سیاسی تبدیل می‌شود و افراد یا جماعت‌های خاصی به‌جای دیگران خارجی یا تهدیدگر در آن پذیرفته می‌شوند. تکوین هویت پروژه‌ای سیاسی است که طی آن دولت‌ها «ما» را به‌عنوان بنیان

کنش اجتماعی متمایز می‌کنند (Ramzan zadeh and jokar, 2009: 13) بنابراین هویت به‌ویژه در معنای پسامدرنی آن بر یک دیگری استوار است. دولت‌ها در بسیاری از مواقع نیازمند این غیریت‌سازی نسبت به دیگران هستند. تداوم مفهوم خود بودن در گرو «دیگری را بازتولید کردن» است. طرد و نفی غیر به دلیل مطابقت با انتظارات بیرونی و تحکیم پایه‌های اعتمادساز درونی بسیار مهم است. برای مثال، در این زمینه ترک‌ها و کردها در طرد و نفی همدیگر به‌عنوان یک «غیر» از امنیت هویتی و هستی‌شناختی به یک اندازه برخوردار می‌شوند. هر چند سازوکار غیریت‌سازی این دو کاملاً با هم متفاوت است. در نتیجه، شکل‌گیری هویت در اشخاص تا حدودی همان فرایند متمایز کردن خویشتن است که لازمه آن این است که یک دیگری وجود داشته باشد تا بقیه خود را در برابر آن متمایز کنند. بدون تفاوتی که با وجود دیگران پدید می‌آید، خویشتنی درک نخواهد بود. از این جنبه بازگونه‌نما، خویشتن‌ها نیازمند دیگران هستند، حتی از جهت پافشاری‌شان بر تفاوت‌شان با آنان. در واقع می‌شود گفت هویت در صورت خاص و ویژه‌اش هنگام روبه‌رو شدن با «غیری» در بیرون از حیطه هستی ما (فردی و جمعی) سر برمی‌آورد. براساس نظریه سازه‌انگاری از تحول دگرهای هویتی در برابر هویت مسلط، بازیگران منافع جدیدی برای خود تعریف می‌کنند و در پی آن هستند که در عرصه پرتلاطم نظام بین‌الملل مزیت‌های بیشتری کسب کنند. البته میزان موفقیت احتمالی به نوع سیاست‌هایی که طرفین اتخاذ خواهند کرد، بستگی دارد بنابراین می‌توان گفت هویت در تعامل و کنش با دگر برون و دگر درون خود دچار واسازی و در نتیجه فرگشت، بهبود یا اشکالات نهادی و سازمانی می‌شود.

۴. سیاست کمالیست‌ها در قبال کردها

شش اصل اساسی مصطفی کمال که به‌عنوان اصول اساسی کمالیسم شناخته می‌شود، عبارت بودند از جمهوری‌گرایی (یعنی ایجاد جمهوری)، ملی‌باوری، پوپولیسم، دولت‌گرایی، سکولاریسم و انقلابی‌گری. (Britannica Encyclopedia, 2023) کمالیسم به‌عنوان نوعی ایدئولوژی بر اهمیت مدرنیزاسیون، صنعتی شدن و غربی شدن، فرگشت نوعی دولت مرکزی نیرومند و جدایی دین از دولت در عرصه عملی مبتنی بود. در میان مولفه‌های فوق، موضوع ملی‌گرایی ترکی بدون‌شک مهم‌ترین بخش این اصول است و سایر عناصر به نوعی در ارتباط با آن معنا دار می‌شوند. ملی‌گرایی ترکی از ریشه تاریخی نیرومندی برخوردار است و خود نیز بر تاریخی مشترک مبتنی بر هویت ترک تاکید می‌کند. تمامیت ارضی واحد ترکیه، اهمیت زبان

ترکی و تاکید بر گذشته واحد تاریخی، تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی از دیگر ویژگی‌های ملی‌گرایی در ترکیه است بنابراین دولت ملی ترکیه که پس از معاهده لوزان در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شد، دولتی استبدادی بود که در آن مخالفت سیاسی قابل‌پذیرش نبود. قانون خیانت در سال ۱۹۲۳ و تأسیس مجدد دادگاه‌های استقلال امکان اجرای سرکوب مخالفان سیاسی را بدون محدودیت رویه‌های قانون اساسی فراهم کرد. قیام شیخ سعید در سال ۱۹۲۵ میلادی به‌عنوان فرصتی مناسب برای رهبری کمالیست‌ها برای تشدید بیشتر مسیر استبدادی خود بود. حکومت نظامی بر استان‌های کردنشین وضع شد. در جریان این عملیات نظامی، که حتی پس از سرکوب قیام و دستگیری شیخ سعید نیز ادامه یافت، بیش از ۱۵ هزار نفر کشته و ده‌ها هزار نفر آواره شدند. (Bajalan, 2009: 7) بعدها حکومت نظامی با حالت اضطراری و سایر اشکال اداره ویژه جایگزین شد. استان‌های کردنشین هدف سیاست‌های جمعیت‌شناختی دولتی قرار گرفتند. این اقدامات با هدف نابودی کردها به‌عنوان یک گروه جمعیتی مستقل از طریق اسکان اجباری در مناطق غربی ترکیه و اسکان مهاجران ترک در مناطق کردنشین سابق انجام شد.

با دگرگونی خودکامه دولت و حذف هرگونه مخالف سیاسی، رهبر جبهه کمالیست‌ها توانست مفهوم ملت ترک و دولت-ملت ترک را پیش ببرد. نظریه تاریخ ترکی^۶ و نظریه زبان خورشید^۷ همراه با آن نیز به این هدف عمل کردند. به این ترتیب، سرزمین ملی ترکیه به‌عنوان وطن ملت ترک اعلام شد. اصل زبان، فرهنگ و تاریخ ترکی همگن و تغییرناپذیر با معادله نژاد و ملت همراه بود. این موضوع باعث شد مرزی غیرقابل عبور بین خود و دیگری ترسیم شود. مثال دیگر در این مورد، جمعیت‌های مسلمان غیرترک مانند کردهاست که تنها در صورتی می‌توانند بخشی از ملت ترکیه شوند که از یک‌سو شایسته همسان‌سازی باشند و از سوی دیگر مایل باشند هویت فرهنگی و زبانی خود را کاملاً کنار بگذارند. درحالی‌که اعضای گروه‌های جمعیتی غیرمسلمان فی‌نفسه غیرقابل انطباق در نظر گرفته می‌شدند بنابراین از ملت طرد و مسلمانان غیرترک مانند کردها به اهداف سیاست همسان‌سازی تبدیل می‌شدند. پیش‌نیاز یکسان‌سازی موفق و در نتیجه حق تبدیل شدن به بخشی از جمعیت مشروع دولت، رها کردن

۶. نظریه تاریخ ترکیه (The Turkish History Thesis or Türk Tarih Tezi) یک نظریه فراملی‌گرایانه و شبه‌تاریخی ترک است که این باور را مطرح می‌کند که ترک‌ها از سرزمین اجدادی خود در آسیای مرکزی نقل مکان کرده و در چندین کشور به چین، هند، بالکان، خاورمیانه و شمال آفریقا مهاجرت کرده‌اند.

۷. نظریه زبان خورشید (Sun Language Theory) یک فرضیه زبان‌شناسانه بود که احمد کافراوغلو آن را رد کرده بود که بدون استناد به منابع معتبر، با اهداف بیشتر سیاسی پیشنهاد می‌کرد همه زبان‌های بشری بازماندگان یک زبان اولیه آسیای مرکزی هستند. این نظریه سپس پیشنهاد می‌کرد که تنها زبانی که کم و بیش همانند این زبان اولیه باقی مانده زبان ترکی است.

کامل هویت خود و همچنین وفاداری بی‌قید و شرط به دولت و رهبری سیاسی آن بود. (Dabag, 2015: 14) در مورد گروه‌های کوچک‌تر جمعیت مسلمان غیرترک، مانند چرکس‌ها^۸، لزگی‌ها^۹ یا پوماک‌ها^{۱۰}، این امر به حدی موفقیت‌آمیز بود که این گروه‌ها با گذار از هویت خود مواجه شدند و آن را از دست دادند و تک‌تک اعضای این گروه‌ها در ملت ترک جذب شدند. این رویکرد رفتاری در قانون اساسی جدید ترکیه نیز به وضوح نمایان و در شش ماده (۶۶-۴۲-۴-۳-۲-۱) از مواد قانون اساسی ترکیه به آن اشاره شده است. برای مثال، در فصل چهارم بخش یک حقوق سیاسی و تکالیف ماده ۶۶، هر شهروند ترکیه که با دولت ترکیه ارتباط شهروندی دارد، ترک است که هیچ‌گونه اشاره‌ای نیز به قومیت‌گرد برای دستیابی به حقوق شهروندی نکرده است. (Kupeli, 2022: 3)

۵. به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه و کردها

بروز برخی تحولات ژئوپلیتیکی از جمله فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، حملات ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ و بهار عربی در سال ۲۰۱۱ باعث شروع مذاکرات صلح ترکیه با کردها شد. در سال ۱۹۹۱، تورگوت اوزال^{۱۱} رئیس‌جمهور وقت ترکیه با رهبران سیاسی کُرد در عراق یعنی جلال طالبانی و مسعود بارزانی تماس گرفت. توسعه روابط بین رهبران کُرد عراق و ترکیه به زودی به مذاکرات صلح غیررسمی با پ.ک.ک در سال ۱۹۹۳ تبدیل شد که در آن جلال طالبانی به‌عنوان میانجی بین ترکیه و پ.ک.ک نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. اوزال بر این باور بود که ترکیه با همکاری با کردها در غرب آسیا به جای ایالات متحده به منافع گوناگونی در عرصه سیاسی و اقتصادی دست خواهد یافت. در مقابل طالبانی نیز جلب رضایت حامی او [اوزال] «می‌تواند به ارتقای جایگاه کلی کردها در خاورمیانه کمک کند». با این حال، این روند با مرگ اوزال در ۱۷ آوریل ۱۹۹۳ به‌طور ناگهانی پایان یافت، زیرا ائتلاف جایگزین سیاسی در ترکیه با رویکرد او موافق نبود. (Van Wilgenburg, 2020: 3) دیگر مذاکرات صلح با کردها پس از ۱۱ سپتامبر، زمانی که ایالات متحده به عراق (۲۰۰۳) حمله کرد، رخ داد. البته صلح با پ.ک.ک حتی قبل از ۱۱ سپتامبر نیز مطرح بود. علاوه بر این، پ.ک.ک در سال ۱۹۹۹ آتش‌بس اعلام کرد و حتی در سال ۲۰۰۲ گروه خود را منحل کرد و

8. Circassians
9. Lezgins
10. Pomaks
11. Turgut Özal

کنگره آزادی و دموکراسی در کردستان^{۱۲} نام گرفت تا بتواند از این طریق در مورد یک راه‌حل مسالمت‌آمیز با ترکیه وارد مذاکره شود. برخلاف سال ۱۹۹۳، در سال ۲۰۰۸ هم دولت ترکیه و هم جامعه بین‌المللی از روابط نزدیک با کردها حمایت کردند، زیرا هر دو بر سر ضرورت صلح کردها و ترکیه برای هموار کردن راه برای ایفای نقش رهبری اقتصادی و سیاسی در ترکیه و خاورمیانه توافق کردند. (Amberin, 2019: 12).

اگرچه دور دوم مذاکرات فیما بین ترکیه و پ.ک.ک در طول بهار عربی پس از ۲۰۱۱ برای چندین سال به حالت تعلیق درآمد؛ پس از سال ۲۰۱۳ با تعهد کامل و صریح همه طرف‌ها مذاکرات ترکیه، اقلیم کردستان و پ.ک.ک از سر گرفته شد. همکاری فوق در شمال و شرق سوریه و در چهارچوب یک فرایند مذاکره، که در آن ترکیه و کردها خود را به‌عنوان شرکای راهبردی در غرب آسیا در نظر می‌گرفتند، شکل گرفت. می‌توان بیان کرد که در درجه نخست، پیشران روند مذاکرات پس از ۱۹۹۳ میان ترکیه و پ.ک.ک به‌جای علت داخلی، دارای علت منطقه‌ای بود. در درجه دوم، با وجود اینکه مذاکرات میان ترکیه و پ.ک.ک انجام می‌شد، اما بازیگران سیاسی کُرد در عراق و سوریه نیز حداقل گاهی در سطوح مختلف با یکدیگر درگیر می‌شدند. سوم، هدف مذاکرات در نهایت همکاری بین ترکیه و کردها در کل غرب آسیا و نه صرفاً یافتن راه‌حلی صلح‌آمیز برای مناقشه کردها در داخل ترکیه بود. (Tayeb and Sazmand, 2024: 12) با این حال، عامل اصلی که منجر به خاتمه مذاکرات شد، به‌جای وضعیت منطقه‌ای، حوادث داخلی ترکیه بود. در این راستا، می‌توان استدلال کرد که سرنوشت مذاکرات با این تحولات تعیین شد: در سال ۱۹۹۳ جنگ قدرت فیما بین نیروهای سیاسی و نظامی، در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ امنیتی شدن مبارزات سیاسی داخلی گروه‌های اسلامی و سرانجام ناتوانی حزب عدالت و توسعه در برآورده کردن انتظارات عمومی در انتخابات عمومی ۷ ژوئن ۲۰۱۵. این درحالی است که حزب کردی دموکراتیک مردم به موفقیت غیرمنتظره‌ای دست یافت. موفقیت‌های نظامی و سیاسی کردها در سوریه و عراق و تقویت مشهود آن‌ها در مسیر مبارزه با داعش در تسریع این روند نقش داشته است. (Yegen, 2022: 12)

در کنار تحولات فوق، به‌ویژه گرایش اقتدارگرایانه روبه‌رشد اردوغان در قبال کردها نه‌تنها در

12. Turgut Özal

ترکیه، بلکه در عراق و سوریه تأثیرگذار است. مداخلات نظامی ترکیه در نهادهای گُرد همسایه موجب می‌شود که تلاش برای ثبات در عراق و سوریه تضعیف شود. علی‌رغم متشنج بودن روابط بین ترکیه و غرب در دهه گذشته، پیامدهای مخرب عملیات‌های نظامی فرامرزی ترکیه به چیزی بیش از اظهار نگرانی نیاز دارد. برای مثال، ایالات متحده ترکیه را به دلیل خرید سامانه موشکی اس-۴۰۰ روسیه تحریم کرد. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت کلیه اعمال تأثیر مجوزهای صادراتی ایالات متحده به آژانس صنایع دفاعی^{۱۳} و مسدود کردن دارایی‌ها و حتی اعمال محدودیت ویزا برای دکتر اسماعیل دمیر ریاست این آژانس بود. (U.S. Department of state, 2020) این موضوع در حالی بود که این کشور رویکرد مقابله‌آمیزی کمتری پیرامون اقدامات نظامی مخرب ترکیه و نقض قوانین بین‌المللی داشت. با وجود اینکه ترکیه هرگز با ایالات متحده علیه داعش همکاری نکرد، اما این کشور به حمایت از همکاری ترکیه با گروه‌های جهادی در سوریه برای مبارزه با بشار اسد و مهار کردها ادامه داد. از سوی دیگر، اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن بیش از هر چیزی نگران جریان پناهجویان بودند به همین علت در نهایت واکنش آن‌ها نسبت به اقدامات غیرقانونی ترکیه در قبال کردها کم‌رنگ شد.

۶. راهبرد امنیتی ارتش ترکیه در قبال کردها

بررسی مسئله کردها به‌ویژه با نقش ارتش در نظام سیاسی ترکیه ارتباط تنگاتنگی دارد. قبل از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، دموکراسی ترکیه تحت نظارت ارتش و نهادهای قضایی مورد حمایت آن بود. مطابق با تعریف شیلز، گروهی از نخبگان حق دارند رقابت دموکراتیک و آزادی‌های مدنی را به دلیل ثبات سیاسی، توسعه اقتصادی و تحول اجتماعی محدود کنند. نخبگان بر این باورند که دموکراسی ممکن است در غیاب یک جامعه سیاسی بالغ منجر به یک رژیم فاسد، ناپایدار و عقب‌مانده اقتصادی شود بنابراین نخبگان برای ایجاد شرایط اجتماعی و اقتصادی لازم برای شکوفایی دموکراسی در آینده مداخله می‌کنند. این نخبگان همان‌هایی بودند که ارتش ترکیه مجسم کرد. (Pinar, 2019: 2) با کمک شورای امنیت ملی، ارتش در انحصار تعیین مسائل امنیت ملی و اعمال سیاست‌ها بر دولت برآمد. شورای امنیت ملی به‌عنوان کابینه‌ای در سایه عمل کرد و در حوزه‌هایی مانند اقتصاد تا آموزش به دلیل ارتباط با امنیت ملی مداخله کرد. این امر به افسران ارتش امکان داد که در مورد مسائلی که قرار بود بر عهده اعضای کابینه باشد، نظر بدهند. از آنجاکه ارتش خود را نگهبان جمهوری و اصول

13. Defence Industry Agency (SSB)

بنیان‌گذار آن می‌دانست، مسئله کردستان را یک مسئله امنیتی در نظر گرفت که بقای دولت را به خطر می‌اندازد و احزاب سیاسی را از توسعه راهبردهای جایگزین برای حل مسأله‌آمیز آن باز می‌داشت. هر حزب سیاسی که این کار را انجام دهد، بقای خود را به خطر می‌اندازد، زیرا همه احزاب باید سیاست‌های امنیت ملی را توسعه می‌دادند که با رهیافت غالب شورای امنیت ملی سازگار باشد، در غیر این صورت عملیاتی نمی‌شود. برای مثال، احزاب کردی از جمله حزب کارگر خلق^{۱۴}، حزب آزادی^{۱۵} و دموکراسی^{۱۶}، حزب دموکراسی^{۱۷}، حزب دموکراسی خلق، حزب دموکراتیک مردم^{۱۸} و حزب جامعه دموکراتیک^{۱۹} که تهدیدی برای شخصیت دولت-ملت ترکیه شناسایی شدند، همگی ممنوع شدند. (Cizre, 2009: 3-10) شکی نیست که دخالت ارتش در سیاست و نگرش آن نسبت به مسئله کردستان با دموکراسی در تضاد بود، اما نهاد ارتش در ترکیه از فشار سیاسی مصون می‌ماند. ارتش حق شناسایی تهدیدات امنیتی ملی و تعیین چگونگی رفع آن‌ها را داشت. این بدان معناست که درک این نهاد از تهدیدات محتمل امنیتی، معیار اصلی مشروعیت احزاب سیاسی بود؛ آن‌هایی که سیاست‌های شورای امنیت ملی را در قبال مسئله کردستان تأیید می‌کردند، مشروع تلقی می‌شدند، در حالی که آن‌هایی که مسئله‌گرد را یک موضوع سیاسی می‌دانستند و راه‌حل‌های سیاسی را پیشنهاد می‌کردند، نامشروع تلقی می‌شدند و به حاشیه رانده شدن در انتظارشان بود. (Khaki. et all, 2024: 8)

حزب عدالت و توسعه به‌عنوان یک دولت غیرنظامی، انحصار تعیین سیاست امنیت ملی بعد از سال ۲۰۰۲ را به دست آورد و این مهم منجر به هم‌خوانی حزب و دولت در غیاب نهادهای اساسی دموکراتیک مانند قوه قضاییه مستقل و قانون اساسی شد که تضمین‌کننده حقوق اولیه شهروندان و رسانه‌های آزاد بودند. علاوه‌براین، اردوغان اولویت‌های امنیتی ملی ترکیه را مطابق با نیازهای سیاسی حزب و دولت تغییر داد. این امر توضیح می‌دهد که چگونه او می‌تواند هم از انعقاد معامله با پ.ک.ک و هم مبارزه با آن به‌عنوان یک الزام امنیت ملی در همان سال دفاع کند، بدون اینکه با هیچ‌گونه ممانعت قانونی مواجه شود. اقدام اردوغان در تقویت شدت

14. Kurdistan Workers' Party

15. Halkın Emek Partisi

16. Özgürlük ve Demokrasi Partisi

17. Demokrasi Partisi

18. Demokratik Halk Partisi

19. Demokratik Toplum Partisi

عمل نسبت به تحركات نظامی پ.ک.ک با حمایت رهبر حزب حرکت ملی^{۲۰} همراه شد. پس از اینکه حزب عدالت و توسعه اکثریت پارلمانی خود را عمدتاً به دلیل رشد آرای حزب دموکراتیک مردم از دست داد، اردوغان با حزب ملی‌گرای اقدام ملی ائتلاف کرد. این همکاری به او کمک کرد تا قدرت سیاسی را متمرکز کند. حزب فوق نیز به نوبه خود، همکاری با حزب عدالت و توسعه را فرصتی برای از سرگیری رویکرد نظامی سخت‌گیرانه نسبت به مسئله کردی می‌دانست. علاوه بر این، حزب حرکت ملی از گذار ترکیه به نظام ریاستی و اصلاح قانون اساسی براساس نیازهای امنیتی ملی حمایت کرد. (Bilgehan, 2019: 42) ائتلاف حامی اردوغان مانند یک اتحاد امنیت ملی به نظر می‌رسد که شامل عناصر ملی‌گرا از عرصه دیوان‌سالاری و سیاست است. در واقع شامل گروهی از سیاستمداران، بازرگانان، روزنامه‌نگاران، دیوان‌سالاران و رهبران مافیایی است که از نگرانی‌های امنیت ملی برای منافع شخصی سوءاستفاده می‌کنند. در بهار سال ۲۰۲۱، مجموعه‌ای از اعتراف‌های ویدئویی صدات پکر^{۲۱}، رئیس مافیا، در اینترنت نشان داد که چگونه سیاستمداران و دیوان‌سالاران از گفتمان امنیت ملی برای ارباب مخالفان و پنهان کردن فعالیت‌های تجاری غیرقانونی از جمله قاچاق مواد مخدر، رشوه‌گیری و اخاذی استفاده می‌کنند بنابراین میان رهیافت امنیتی سنتی مورد حمایت ارتش قبل از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ و وضعیت امنیت ملی اردوغان پس از انتخابات ملی ژوئن ۲۰۱۵ تفاوت اساسی وجود دارد. ارتش به‌طور غیردموکراتیک مسئله‌گُرد را امنیتی و فضا را برای سیاست‌گذاری احزاب سیاسی محدود کرد. با این حال، این برای رقابت با آن‌ها نبود، ارتش بازیگری سیاسی نبود که بخواهد آرا را جذب یا محبوبیت کسب کند، محرک اصلی سیاست کردی آن حفظ ماهیت یکپارچه دولت ترکیه بود. در مقابل، سیاست کردی اردوغان بسته به راهبرد داخلی او برای تحکیم حکومتش تغییر کرده است؛ او اولویت‌های امنیت ملی را از منظر دغدغه‌های سیاسی داخلی خود می‌بیند و از گفتمان امنیت ملی برای ارباب رقبای خود همانند کردها و ساکت کردن جامعه مدنی استفاده می‌کند که این باعث می‌شود او ارباب امنیت ملی باشد نه اسیر آن. (Tol andf Eissenat, 2022: 14)

۷. شکست حزب عدالت و توسعه در بازنگری هویت خودی - دیگری

زمانی که حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۱۳ مذاکرات صلح با پ.ک.ک را آغاز کرد، محافل

20. Milliyetçi Hareket Partisi

21. Sedat Peker

دانشگاهی، روشنفکری و سیاسی این اقدام را انقلابی تلقی کردند. از نظر آن‌ها، این انحراف از درک سنتی از امنیت ملی در ترکیه بود که مسئله کردها را به جای یک مشکل سیاسی، یک مسئله امنیتی می‌دانست. حزب عدالت و توسعه اولین دولت در تاریخ جمهوری بود که پیشنهاد کرد مسئله کردها را می‌توان از طریق ابزارهای سیاسی به جای اقدامات نظامی حل کرد. رهیافت امنیتی سنتی حتی فعالیت‌های صلح‌آمیز و بازیگران و سازمان‌های جامعه مدنی را که خشونت را رد می‌کردند، هدف قرار داد. به عبارت دیگر، از دید نخبگان امنیتی ترکیه مدافعان غیرخشونت‌آمیز پرونده کردها از گروه‌های تروریستی قابل تشخیص نیستند. به همین دلیل است که به رسمیت شناختن رهبر پ.ک.ک به عنوان همتای مشروع در روند صلح یک گام انقلابی بود و به انحراف از خط سنتی اشاره کرد. با وجود این، بازگشت به درگیری‌های مسلحانه پس از انتخابات ژوئن ۲۰۱۵ نشان داد که این روند چقدر شکننده بوده و چگونه صلح برای دستاوردهای سیاسی تنها یک ابزار بوده است. (Gü rbey and Yılmaz, 2022: 13) با وجود این، اسلام‌گرایان به حکم‌گرایش ایدئولوژیک، راهبرد انتخاباتی و ملاحظات بین‌المللی نمی‌توانند سیاست پیشین مشت آهنین را در مورد کردها عملی کنند و همه این پویش‌ها و معادلات، فضا را برای تکاپوی کردهای منطقه فراهم می‌کند. از این رو، اردوغان تلاش کرده در دوران پساکمالیسم در جامعه ترکیه که ساخت کمالیستی داشته و تحت تأثیر اصول کمال‌آتاتورک دارد به برسازی هویت اقدام کند و بر این اساس اسلام را به عنوان هویت مشترک تمام جامعه ترکیه معرفی و نهادینه کند. این مسئله با توجه به اکثریت مسلمان ترکیه شاید در ظاهر امری شدنی و ساده باشد، اما از آنجاکه ترکیه حدود صد سال تحت تسلط و جولان اندیشه‌های کمالیستی مبتنی بر ترکی بوده و با وجود تغییر و تحولات بسیار همچنان ساخت کمالیستی خود را مخصوصاً در ارتش حفظ کرده و از طرفی کردها، به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت این کشور، طبق آمار رسمی دولت ۱۸ درصد و طبق آمار منابع کردی حدود ۳۵ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، در حقیقت کاری بسیار مشکل و شاید ناشدنی است که دلایل این مسئله در ادامه بررسی می‌شود. (kubiceck, 2020: 4)

باتوجه به آنچه در تاریخچه روابط کردها و دولت‌های مختلف ترکیه وجود دارد، رویکرد دولت اردوغان ثابت کرد که کردها در ترکیه با وجود جمعیت قابل توجه‌شان همواره به عنوان شهروند درجه دو نگاه می‌شوند. این درگیری‌ها علاوه بر هزینه زیادی که بر دوش دولت ترکیه داشت، موجب پیدایش شکاف اجتماعی در داخل، ایجاد مانع برای پیوستن به اتحادیه

اروپایی و همچنین تداوم حضور بیشتر و نیرومندان نظامیان در ساختار سیاسی ترکیه شده است. این دوقطبی به حدی رسیده است که نه تنها بسیاری از انفجارهای ترکیه به کردها منصوب می‌شود، بلکه ترکیه با یک مشکل اساسی در داخل مواجه شده است. به دستور اردوغان، ۱۵۰ پایگاه نظامی مرزی جدید، که مجهز به فناوری پیشرفته نظامی هستند، برپا شد و یک نیروی نظامی حرفه‌ای، که جایگزین ارتش در پایگاه‌های مرزی می‌شوند، نیز تاسیس شد. آن‌ها ملزم می‌شوند شرایط اجتماعی مناطقی را که بدان‌جا روانه می‌شوند رعایت کنند تا ساکنان محلی را تحریک نکنند. مناطق مورد نظر جنوب شرق ترکیه یا مناطق کردنشین این کشور است که از نظر وجود و حضور حزب مخالف دولت یعنی پ.ک.ک اهمیت دارد. وقتی رسانه‌های جمعی ترکیه درخواست برای تشکیل نیروی ویژه و پایگاه‌های نظامی مرزی را اعلام کردند، هم‌زمان و به‌صورت ناگهانی خبر دیگری منتشر شد مبنی بر اینکه شش دانشگاه جدید در شهرهای ترکیه تاسیس می‌شود که هیچ‌یک از شهرهای کردنشین ترکیه جزو آن‌ها نبودند. سهم این مناطق از برنامه‌های دولتی تنها پایگاه‌های نظامی، وسایل و ادوات نظامی و هلی‌کوپتر «آنکا»^{۲۲} ساخت ترکیه و مشابه «هیرون»^{۲۳} اسرائیلی است. (Coşkun and Ülgen, 2022: 8)

دانشگاه‌ها و آموزشکده‌های عالی، صنایع و شرکت‌های تولیدی چیزهایی است که در خارج از فضای کردستان ترکیه قرار گرفته‌اند. در این مناطق بیچارگی، بی‌سوادی، فقر، ناامیدی و کینه حکم فرماست. در «دیاربکر» میانگین بیکاری ۴۰ تا ۶۰ درصد است و در «حکاری» این میزان به ۷۰ درصد می‌رسد، درحالی‌که حداقل نیمی از ساکنان آن کمتر از ۱۹ سال دارند و تعداد آن‌ها بالغ بر ۲۵۶ هزار نفر است. دولت‌های ترکیه نیز هیچ‌گاه تصمیمی برای بهبود وضعیت این منطقه نداشته‌اند. از نظر اقتصادی و اجتماعی شرایط بدتر از این است. نسبت بی‌سوادی ۳۵ درصد است و بیشتر ساکنان مناطق کردنشین زیر خط فقر زندگی می‌کنند (Council on Foreign Relations, 2023: 1). چون دولت حزب عدالت و توسعه به وعده‌های خود در اجرای طرح‌های توسعه به دلیل خودداری کارگزاران دولتی از سرمایه‌گذاری در مناطق کردنشین شرق ترکیه و اولویت دادن به استان‌های کردنشین برای سرمایه‌گذاری توجه نکرد. در چنین شرایطی تنها افق باقی‌مانده برای بیشتر دختران و پسران جوان کُرد پیوستن به حزب کارگران کردستان و فروافتادن به فعالیت مسلحانه است.

22. TAI Anka

23. Huron

در کنار دشواری‌های مطرح‌شده، در بعد خارجی نآرامی‌های سوریه فرصت مناسبی را برای تغییر شیفت جغرافیایی پ.ک.ک فراهم کرده است. در نتیجه بحران سوریه، جمعی از اعضای این گروه به همراه همتای سوری خود به مناطق کردنشین سوریه بازگشتند. تحولات منطقه‌ای و در امتداد مرزهای جنوبی ترکیه به نگرانی‌های آنکارا از شکل‌گیری قندیل جدید در شمال سوریه دامن زده است. در واقع مناطق خودمختار کُرد در شمال سوریه پناهگاهی امن برای فعالیت مبارزان پ.ک.ک شده و به تشدید حملات پ.ک.ک به داخل ترکیه منجر شده است. با توجه به وجود ارتباطات حزب کارگران کردستان ترکیه با حزب اتحاد دموکراتیک^{۲۴} یا پ.ی.د نگرانی‌هایی از سوی محافل سیاسی ترکیه در رابطه با از سر گرفته شدن حملات سازمان یافته پ.ک.ک به وجود آمده بود. روند تحولات در سوریه، بی‌مورد نبودن نگرانی‌های آنکارا از ظهور حزب اتحاد دموکراتیک را به اثبات رساند. برای نمونه، عامل حمله انتحاری مارس ۲۰۱۶ میلادی آنکارا که در یک دستگاه اتوبوس روی داد و طی آن ۳۷ نفر کشته و ۱۲۵ تن زخمی شدند، در منطقه کردنشین سوریه آموزش دیده بود. عقاب‌های آزادی کردستان (تاک)، شاخه افراطی پ.ک.ک نه تنها مسئولیت این حمله بلکه حملات مشابهی را که غیرنظامیان را هدف قرار داده‌اند، برعهده گرفتند. (Oguz, 2021: 13) مسئله دیگر در این رابطه ظهور جنبش ملی‌گرای کردی در میان کردهای سوریه و نگرانی رهبران ترکیه از احیای دوباره ملی‌گرایی کردی در جنوب شرق این کشور است. پویش‌های منطقه‌ای موجب الگوگیری گروه‌های کردی ترکیه از کردهای سوریه و عراق شده است و بر تلاش‌های پ.ک.ک برای کسب خودمختاری و استقلال افزوده است. در انتهای این بخش باید اضافه کنیم که حزب عدالت و توسعه به پنج دلیل قادر به ارائه و اعمال سیاستی منسجم در رابطه با مسئله کردها نیست:

۱. نگاه اردوغان به مسئله کردی، تفاوت عمده‌ای با نگاه بازیگران کُرد به خصوص احزاب سیاسی زیر نفوذ پ.ک.ک دارد.

۲. مناقشه عمده‌ای در میان نهادهای حکومتی و حزب عدالت و توسعه بر سر مفهوم‌سازی مسئله کردها و مبانی جمهوری ترک موجود است.

۳. مسئله کردها یکی از دلایل اصلی نگرانی حزب عدالت و توسعه از بروز شکاف در حزب و در نتیجه کاهش پشتیبانی ترک‌ها در استان‌های مرکزی و شرقی آناتولی از حزب فوق است.

24. Democratic Union Party or Partiya Yekîtiya Demokrat

۴. نوع و سیاق جهت‌گیری حزب عدالت و توسعه پیرامون مذاکرات صلح با کردها در عرصه داخلی چالش‌هایی را برای این حزب پدید می‌آورد. از یک‌سو، مسئله کردها به‌صورت بالقوه می‌تواند به تقابلی عمده با ارتش منجر شود. این مورد از آن روی شایان توجه است که نه تنها مذاکرات با کردها تنش در میان ارتش را افزایش می‌دهد، بلکه موجب بروز اختلافات بیشتر میان حزب عدالت و توسعه و کمالیست‌ها می‌شود.

۵. روند برگزاری انتخابات در ترکیه نیز گاهی به سدی برای مذاکرات با کردها تبدیل می‌شود و حزب عدالت و توسعه را در دوراهی انتخاب راهبرد مخالفت یا همراهی با کردها قرار می‌دهد. در انتخابات سال ۲۰۱۵، آرای حزب دموکراتیک مردم طرفدار کردها از آستانه ۱۰ درصدی انتخابات فراتر رفت و به ۱۳/۱ درصد رسید. حزب عدالت و توسعه به هیچ‌یک از احزاب مخالف پیشنهاد جدی نداد و احزاب دیگر را موظف به تشکیل دولت ائتلافی نکرد بنابراین برگزاری انتخابات زود هنگام تنها گزینه بود. در این روند، اردوغان کابینه موقت جدیدی را تشکیل داد. این بدان معنا بود که حزب عدالت و توسعه با کمک قدرت قانون اساسی اردوغان، عملاً کنترل دولت را حفظ کرد. (Özpek and Mutluer, 2016: 127-128)

همچنین در انتخابات سال ۲۰۲۳، علی‌رغم آنکه ائتلاف اپوزیسیون شش‌گانه نتوانست راهبرد مشترک و مؤثری را اتخاذ کند که تضمین‌کننده شکست حزب حاکم (حزب عدالت و توسعه) باشد، اما روی وزن معادلات کردی برای پیروزی در مقابل اردوغان حساب جدی باز کرده بود. به همین دلیل، حزب عدالت و توسعه هم در روزهای منتهی به انتخابات تصمیم گرفت به موازات فرستادن تیم مذاکره‌کننده به زندان امرالی برای مذاکره با عبدالله اوچالان با هدف جذب بخشی از پایگاه رأی کردی، ائتلافی شکننده را با حزب مطالبه آزاد تشکیل بدهد که پایگاه رأی حدود یک درصدی داشت. همین موضوع گواه آن است که اردوغان هم معترف به اهمیت معادلات کردی و نقش تعیین‌کننده آن در پیروزی اش بر کمال قلیچدار اوغلو بوده است. (Cowen, 2023)

۱-۵. سازه‌انگاری و شکست سیاست اردوغان و حزب عدالت و توسعه در برسازای هویت: باتوجه به اهمیت ساختارهای هنجاری و هویتی و شکل‌دهندگی منافع و کنش‌ها از یک‌سو و ساختار و کارگزار از سویی دیگر در سازه‌انگاری، مسئله کردهای ترکیه و شکست اردوغان در حل مسئله کردها را می‌توان بر این اساس تحلیل کرد:

۱- برای کردهای ترکیه که کُرد بودن را هویت خود می‌شمارند، حفظ هویت متشکل و چندسویه کُرد به اندازه پیشرفت‌های اقتصادی ناشی از حاکمیت حزب عدالت و توسعه و حتی بیشتر از آن اهمیت دارد. ساختار نابرابر اجتماعی ترکیه و شکاف موجود میان کُرد و ترک در این کشور و عنوان شهروند درجه دوم بودن کُردها در این ساختار به همان اندازه ساختار مادی مناسب و اوضاع اقتصادی کشور اهمیت دارد و کُردها از این منظر کلیت دولت را تحلیل می‌کنند. بدون در نظر گرفتن این موارد و موارد مشابه هرگونه تلاش برای برسازی هویت با مشکل مواجه می‌شود و قابلیت تحقق نخواهد داشت.

۲- کُردهای ترکیه منافع خود را باتوجه به کُرد بودن و اقلیت بودن و در معرض خطر بودن هویت، زبان و رسم الخط و ... خودشان تفسیر می‌کنند. تلاش دولت ترکیه برای ترکی سازی هویت کردی، همواره یکی از دلایل مبارزات مسلحانه کُردها در قالب پ.ک.ک. بوده است. (Rabeieniay and harsij, 2023) سیاست‌گذاری صحیح و موثر در مورد نقش کردها در ترکیه و جلوگیری از تنش‌های جاری میان دولت ترکیه و نیروهای نظامی کُرد منوط به در نظر گرفتن واقعیت هویت کُردی است و منافع اساسی آنان، باتوجه به حقیقت هویت کُردی خود و الزامات و هنجارهای این هویت (مانند پذیرش به عنوان شهروندان کُرد ترکیه، شهروند درجه یک بودن، برخورداری از آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، برابری در همه ابعاد، سخن گفتن به زبان کُردی، استفاده از رسم الخط و استفاده از نام‌های کُردی) تنظیم می‌شود. قانون اساسی ترکیه به دلیل تکیه بر قومیت ترک برای تعریف شهروندی، ممانعت از ابراز وجود کردها به زبان خود و پیشبرد فرهنگ، منافع سیاسی آنان و حفظ شخصیت متمرکز دولت مورد انتقاد قرار گرفته است. (Barkey and Kadioglu, 2011)

۳- در درازای سال‌های حاکمیت حزب آ.ک.پ، علی‌رغم تغییر میان‌رهیافتی در نگاه دولت حاکم نسبت به کردها، عموماً این گروه قومی ابزار برای دستیابی به منافع ائتلافی تلقی می‌شدند. برای مثال، علی‌رغم اینکه حزب جامعه دموکراتیک طرفدار کردها اکثریت کرسی‌ها را در انتخابات محلی جنوب شرق کشور در سال ۲۰۰۹ به دست آورد، دولت ترکیه از پیوند احزاب طرفدار کردها با شبه‌نظامیان کُرد برای حزب آنان به عنوان رقیب سیاسی استفاده کرد. (Lepeska, 2023)

۴- جامعه ترکیه جامعه تضاد است؛ تضاد کُرد و ترک، تضاد اسلام‌گرا و لائیک. این

تضادها همواره کنش و واکنش‌های سیاسی و اجتماعی ملت و دولت ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است. این جامعه دارای نوع خاصی از ساختار حاکمیتی ملی‌گرا و ثابت (کمالیسم) نیز هست که یکی از اصول اساسی آن، ارزش ترک بودن و ملی‌گرایی ترکی است. این اصل کُردها را به‌عنوان دگر هویتی برابر با هویت مسلط به حاشیه می‌راند و حتی انکار می‌کند. برسازی یک هویت جدید در دوران پساکمالیسم بدون در نظر گرفتن ساختار ملی‌گرایانه جامعه ترکیه، که در آن ترک‌ها به‌عنوان اکثریت و کُردها به‌عنوان اقلیت محسوب می‌شوند، امری از پیش شکست خورده خواهد بود. هرگونه تلاش برای سیاست‌گذاری پیرامون موضوع فوق باید شامل تمامی این تضادها باشد و در جهت رفع یا تخفیف آن‌ها برای ایجاد همگرایی اجتماعی گام بردارد.

۶. نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با بهره‌گیری از چهارچوب نظری سازه‌نگاری به دنبال تبیین دلایل شکست دولت‌های ترکیه در ایجاد آشتی ملی با کردها در ترکیه بوده است و در این راستا این فرضیه در بوته آزمایش قرار گرفت که ناتوانی دولت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه در امر بازنگری هویت در مواجهه با هویت کردی در پیگیری و تامین کامل مطالبات اقلیت کُرد باعث خصمانه شدن مواضع طرفین و فعال شدن شکاف ترک- کُرد در سال‌های اخیر شده است که این ناکامی‌ها و مواضع خصمانه برای حزب حاکم نتیجه‌ای به جز مواجهه قهرآمیز و نظامی با کردهای ترکیه نداشته است بنابراین ترکیه مدرن هرگز مفهوم اقلیت کردی را به‌صورت رسمی در کنار حقوق اقلیت‌ها نپذیرفته است. درگیری میان نیروهای امنیتی ترکیه و مبارزان پ.ک.ک، بالغ بر ۳۰ هزار نفر کشته و تعداد بیشتری بی‌خانمان برجای گذاشته است. واقعیت این است که جنگ و کشتار نمی‌تواند تضاد خودی (ترک)- دیگری (کرد) را در ترکیه حل و فصل کند. با فرض وجود هویت کردها، به‌عنوان یک هویت تاریخی و با وجود سابقه تنش سیاسی و امنیتی با حاکمیت‌های نیمه‌مستقل و نظامی کُرد، دستاوردی به جز تشدید بحران پدید نیامده است. دولت ترکیه از یک‌سو تحت فشار به رسمیت شناختن حقوق کردها قرار دارد و از سوی دیگر شاهد خیل مطالبات کردها از داخل است. علاوه‌براین، مسئله کردها همچون نقطه‌ضعفی برای دولت‌های ترکیه از گذشته تا به حال بوده است. تا پیش از کودتای ۱۵ جولای، بسیاری از کارشناسان بر این باور بودند که ترکیه همان‌گونه که دولتمردان این کشور وعده داده بودند تا انتهای

سال ۲۰۲۳ میلادی به عضویت اتحادیه اروپا خواهد درآمد، اما نحوه برخورد امنیتی دولت حزب عدالت و توسعه با مسئله کردها، کودتای نظامی نافرجام سال ۲۰۱۶ و عکس‌العمل شدید دولت اردوغان در برابر مخالفان، احتمال پیوستن به اتحادیه اروپا را کاهش داد. با اینکه سیاست حزب عدالت و توسعه ظاهراً بر بازتعریف هویت ملی براساس اصول چندفرهنگی کثرت‌گرایانه تأکید دارد، اما همان روح کمالیستی و ناسیونالیسم ترکی بر سیاست‌های کردی حزب عدالت و توسعه حکم فرماست.

References

- Amberin, Zaman.(2019) Kurdish academic who met with jailed PKK leader speaks out, Al-Monitor, <https://www.al-monitor.com/originals/2019/09/ocalan-turkey-pkk-kurdish-peace-process-ozcan.html>.
- Ariav, Hagit (2019). The Time of the Kurds. Council on Foreign Relations . <https://www.cfr.org/article/time-kurds>.
- Atmaca, Metin (2022). The Road to Sèvres: Kurdish Elites and Question of Self-Determination After the First World War. *International Journal of Conflict and Violence* 16: 1- 13. doi: 10.11576/ijcv-5686
- Bajalan, Djene Rhys (2009). Kurds for the Empire: “The Young Kurds” (1898-1914), İstanbul: İstanbul Bilgi Üniversitesi.
- Barkey, Henri; Kadioglu, Direnc (2011). The Turkish Constitution and the Kurdish Question, Carnegie Endowment for International Peace, <https://carnegieendowment.org/2011/08/01/turkish-constitution-and-kurdish-question-pub-45218>
- Bezwan, Naif (2022). The Politics of Negotiating the Kurdish Self-Determination Conflict: Failure by Design? *International Journal of Conflict and Violence* 16: 1-18. doi: 10.11576/ijcv-5777.
- Bilgehan Özpek, Burak (2019). The State’s Changing Role Regarding the Kurdish Question of Turkey: From Consistent Tutelage to Volatile Securitization, *Alternatives*, 44(1), PP.35–49, <https://doi.org/10.1177/0304375419854599>.
- Britannica Online Encyclopedia (2023) *Kemalist policies*, <https://www.britannica.com/place/Turkey/Kemalist-policies>
- Cizre, Ümit (2009). The emergence of the government's perspective on the Kurdish issue, *Insight Turkey*, PP. 1-12.
- Coşkun, Alper; Ülgen, Sinan (2022). Political Change and Turkey’s Foreign Policy. Carnegie Endowment for International Peace. All rights reserved.

- Council on Foreign Relations (cfr) (2023). Conflict between Turkey and Armed Kurdish Groups, <https://www.cfr.org/global-conflict-tracker/conflict/conflict-between-turkey-and-armed-kurdish-groups>
- Cowen, Katie (2023). The Kurdish Dilemma in Turkey. Washington Kurdish Institute, January 2023.
- Dabag, Mihran; Platt, Kristin (2015). Die Armenier im Osmanischen Reich und der Völkermord von 1915/16, in: Mihran Dabag/Kristin Platt (Hrsg.): Verlust und Vermächtnis. Überlebende des Genozids an den Armeniern erinnern sich, Paderborn: Ferdinand Schöningh, S. PP. 272–306.
- Fars news agency (2014). The bitter victory of the Justice and Development Party / the heavy shadow of foreign policy on Erdogan's domestic policy + infographic and reactions. <https://www.farsnews.ir/news-A-%D8%AF%D8%A7%D8%AE%D9%84%DB%8C>(in Persian).
- Gürbey, Gülistan; Yilmaz, Arzu (2022). Geopolitical Shifts and Ethnic Conflicts: The Transnational Kurdish Conflict in the Contemporary Middle East. DOI: 10.11576/ijcv-6098 IJCV: Vol. 16/2022.
- Harvard Divinity School (2023). Kurds in Turkey, <https://rpl.hds.harvard.edu/faq/kurds-turkey>
- Khaki, Shilan, Jahangir Karmi; Seyed Asadollah Athari (2024). Explaining the dimensions of the security components of the Turkish Gap plan from the perspective of the Copenhagen school. Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies in the Islamic World, Vol. 5, Issue 4 - Serial No 18. **[In persian]**
- Kubiceck, Paul (2020). Authoritarianism in Turkey, available at: <https://www.oxfordbibliographies.com/view/document/obo9780199756223/obo-9780199756223-0158.xml>.
- Küpelı, İsmail (2022). The Kurdish Question in Turkey: On the violent enforcement of nation-statehood. Köln. <https://nbnresolving.org/urn:nbn:de:0168-ssoar-79592-7>.

- Lepeska, David (2023). How Turkey's government abuses - and uses - Kurdish groups, The National, <https://www.thenationalnews.com/opinion/comment/how-turkey-s-government-abuses-and-uses-kurdish-groups-1.1174664>
- Matin, Kamran (2020). Liminal Lineages of the Kurdish Question. Middle East Research and Information Project (MERIP) 295 (summer). <https://merip.org/2020/08/liminallineages-of-the-kurdish-question/>.
- Özpek, B.B.; Mutluer, O. (2016). Turkey and the Kurdish Question: Last Exit before the Bridge. *Iran and the Caucasus*, 20, PP. 127-141.
- Pinar Tremblay (July 9, 2019). All is fair to sustain Erdogan's reign, AlMonitor, <https://www.al-monitor.com/originals/2019/07/turkey-why-didstate-television-interview-a-wanted-man.html>.
- Rabeieniya, Hossein; Harsij, Hossein (2023). A comparative analysis of Iran and Turkey's soft power towards the Syrian crisis. Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies in the Islamic World, Vol. 5, Issue 2 - Serial No. 16. **[In persian]**
- Ramzanzadeh, Abdullah; Jokar, Mohammad Sadegh (2009). Identity from the perspective of conventional and radical constructivism, Policy Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Science, Vol 40, No. 3. **[In persian]**
- Tayeb, Merve Kaya and Sazmand, Bahareh (2024). Autopsy of the change in Türkiye's foreign policy strategy from soft power to hard power in Syria. Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies in the Islamic World, Vol. 6, Issue 2 - Serial No. 20. **[In persian]**
- Theys, Sarina (2018). Introducing Constructivism in International Relations. Theory. <https://www.e-ir.info/pdf/72842>
- Tol, Gonul; Eissentat, Howard (2022). Turkish Views: Crisis and Opportunities for turkey in 2023. <https://www.mei.edu/publications/turkish-views-crisis-and-opportunities-turkey-2023>
- Van Wilgenburg, Wladimir (2020). Turkey's pro-Kurdish party elects co-chairs

amid continued state crackdown. Kurdistan24.

Wendt, Alexander (1992). Anarchy is What States Make of It: The Social Construction of Power Politics. *International Organization*. 46. 391-425. 10.1017/S0020818300027764.

Yegen, Mesut (2022). Ethnopolitics to geopolitics: the Turkish State and the Kurdish question since 2015. *BRITISH JOURNAL OF MIDDLE EASTERN STUDIES*. <https://doi.org/10.1080/13530194.2022.2043146>.